

بررسی کتاب

گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت

• مریم بیژنی

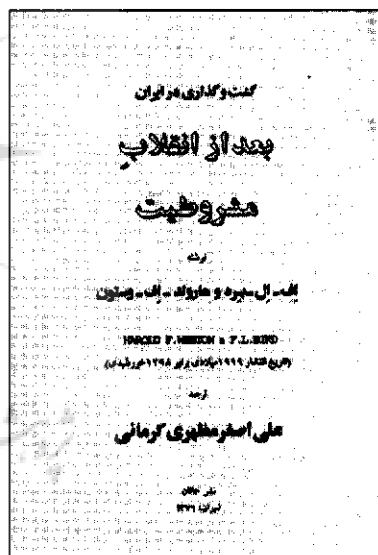
کتاب «گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت» به جهت توصیف واضح و جالب نویسندگان آن از وضعیت زندگی اجتماعی و جغرافیای طبیعی ایران، به عنوان منبعی دست اول برای تحقیقات در این زمینه، حائز اهمیت است

درواقع برای بررسی موضوعات مختلف تاریخ اجتماعی ایران بدون مطالعه این سفرنامه‌ها، تحقیقات تاریخی ناقص خواهد بود. با این وجود چون اروپاییان در بازدیدها و سفرهایشان از ایران همواره دیدگاه‌ها و طرز تفکر خود را از زندگی به شیوه اروپا در نظر داشته‌اند، در قسمت‌هایی از سفرنامه‌های آن‌ها دیدگاه‌های مغرضانه و یا از روی ناآگاهی وجود دارد که نویسنده تاریخ اجتماعی ایران باید این نکته را در لابلای گزارش‌های اروپاییان مورد توجه قرار دهد.

یکی از منابعی که برای شناخت اوضاع اجتماعی و شهری ایران بعد از انقلاب مشروطیت می‌تواند در کنار سایر منابع به روشن شدن اوضاع این دوره کمک کند، کتاب ایران بعد از انقلاب مشروطیت است. نویسندگان این کتاب یعنی اف. ال. برد و هارولد اف. وستون^۲، هر دو اهل آمریکا، عضو یک هیأت مسیحی به نام «انجمن مردان مسیحی» (YMCA)^۳، و مأمور خدمت در ایران و منطقه بین‌النهرین بوده و به کار تدریس اشتغال داشته‌اند.

این کتاب که ابتدا به صورت مقاله در مجله نشنال جئوگرافیک^۴ منتشر شده و توسط مترجم محترم به شکل کتاب درآمده، دارای سه قسمت است. قسمت اول آن حاصل کار و تحقیق اف. ال. برد است. قسمت اول کتاب با عنوان ایران پیشرفته و پایتخت آن، حاوی مطالبی در مورد اهمیت جغرافیای تاریخی ایران، وضعیت زندگی شهری مردم، و وضعیت ایران پس از انقلاب مشروطیت است.

نویسنده در ابتدای این قسمت توضیحی مختصر در مورد تاریخ گذشته این سرزمین و تحولاتی که منجر به محدود شدن سرزمین ایران نسبت به گذشته شده، مانند جنگ‌های ایران و روسیه که منجر به از دست رفتن قسمت عمده‌ای از خاک ایران شد، ارائه می‌دهد.^۵ نویسنده در بخشی دیگر با عنوان جنگ جهانی و ایران، به بررسی اهمیت ایران در جنگ جهانی و تأثیر آن بر ایران می‌پردازد. وی با دیدگاهی غلوآمیز، همان گونه که مترجم کتاب هم بیان داشته، با



■ گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت

■ نویسنده: اف. ال. برد و هارولد اف. وستون

■ مترجم: علی اصغر مظهری کرمانی

■ ناشر: نشر جانان، تهران، ۱۳۷۱

مطالعه تاریخ اجتماعی ایران و چگونگی وضعیت زندگی شهری مردم با استفاده از منابع متعددی ممکن می‌گردد، یکی از این منابع سفرنامه‌های اروپاییان است.

اروپایی‌هایی که به ایران سفر کرده‌اند همواره با نگاهی دقیق و نقادانه به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران نگریسته‌اند و این دید در سفرنامه‌ها و خاطرات آن‌ها نمایان است.

نویسندگان کتاب گشت و گذاری در ایران بعد از انقلاب مشروطیت، هر دو اهل آمریکا، عضو یک هیأت مسیحی به نام «انجمن مردان مسیحی» (YMCA)، و مامور خدمت در ایران و منطقه بین‌النهرین بوده‌اند

«اف. ال. برد» در برخی قسمت‌های کتاب خود به دلیل عدم اطلاع کافی از زندگی ایلی و چادرنشینی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران، قضاوت نادرستی در مورد این نحوه زندگی ارائه داده است

تأثیرپذیری از دوستان انگلیسی خود، حضور نیروهای انگلیسی را پس از جنگ جهانی اول در ایران به نفع ایرانیان می‌داند؛ زیرا معتقد است ایرانیان توانستند از دانش آن‌ها در مناطق کویری برای ایجاد کانال‌های آب برگردان و سد‌های خاکی استفاده کنند. با وجود این که خود وی معترف است که ایرانی‌ها در حفر قنات دارای سابقه‌ای طولانی هستند،^۶ باز در مورد این قضیه که ایرانیان در زمینه احداث سد و حفر کانال‌های آبیاری نیز از همان دوران باستان، با توجه به مشکلات آب و آبیاری در ایران پیشگام بوده‌اند، دچار غفلت شده است.

وی در قسمتی دیگر با عنوان شهری به قدمت تاریخ ایران، به توصیف تهران به عنوان پایتخت دوره قاجاریه پرداخته و تأثیر پادشاهان قاجار از جمله ناصرالدین شاه را در توسعه این شهر و ایران مورد بررسی قرار داده است.

در دوره ناصرالدین شاه قاجار، تحولات عمده‌ای در زمینه اوضاع سیاسی ایران به وجود آمد که در این تحولات صدراعظم‌هایی چون امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار سهیم بودند. هم‌چنین در کنار آن سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا نیز بی تأثیر نبود. با این حال، نویسنده درباره ناصرالدین شاه نظری مثبت دارد و او را پادشاهی عادل می‌داند، شاید این مسئله به نوعی ناشی از ناآگاهی وی نسبت به تحولات دوره ناصرالدین شاه بوده است. چنان‌که در همین زمینه نوشته است: «در تحولات تهران و مدرن کردن آن پادشاه مقتدر، ناصرالدین شاه قاجار، نقش بسیار اساسی داشت. او چهل و هفت سال عادلانه سلطنت کرد و به وسیله یک تندرو مذهبی که علیه او تحریک شده بود، به قتل رسید.»^۷

در این قسمت نویسنده به خوبی بافت و فضای شهر تهران را با توجه به مشاهداتش بیان می‌کند. با توجه به این که تهران در دوره ناصرالدین شاه به دلیل محدودیت فضای زندگی شهری و افزایش جمعیت و وسایل نقلیه نیاز به تحول در نظام شهرسازی داشت، با تأثیرپذیری از الگوهای برون زار، حصارهای قدیمی تهران از بین رفت و خارج از آن، فضای شهر با حصارهای جدید گسترش یافت. چون نویسنده کتاب در دوره احمد شاه از ایران دیدن کرده، اشاره می‌کند که به دلیل افزایش جمعیت و مرکزیت تهران، جمعیت شهر خارج از حصارهای دوره ناصرالدین شاه گسترش یافته بود.^۸

وی به خوبی شکل روستا گونه شهر تهران را بررسی کرده و تفاوت آشکار میان شمال و جنوب شهر را بررسی کرده است: «در خیابان‌های زیبای تهران گاه صحنه‌هایی دیده می‌شود که مسافر غربی می‌پندارد در یک روستای بزرگ زندگی می‌کند. از آن جمله در گوشه و کنار اغلب خیابان‌ها گاری و درشکه‌های گوناگون و رنگارنگ، ولی فرسوده در حال حرکتند. فروشندگان دوره‌گرد برای عرضه کالا فریاد می‌کشند... به راستی می‌توان گفت که حصار و دیوار گلی خانه ثروتمندان ما مرزی است مطمئن که زندگی امروزی

رجال و اعیان و دنیای مردم... فقیر پایتخت ایران را از هم جدا ساخته است.»^۹

نویسنده در همین قسمت، به تأثیر شهرسازی اروپایی بر فضای شهر تهران اشاره می‌کند. به گفته او چون شمال تهران محل زندگی اعیان و تحصیل کرده‌ها بوده، خانه‌هایی تازه‌ساز داشته، در حالی که وضعیت جنوب شهر تهران درست برعکس بوده است. هم‌چنین بر طبق توصیفی که نویسنده از وسایل نقلیه درون شهری ارائه می‌کند، در آن زمان بیشتر از وسایل نقلیه‌ای مانند تراموای اسبی و کالسکه استفاده می‌شده است. به دلیل تأثیرپذیری شهر تهران از الگوهای برون زار، در این دوره از چراغ برق، سینما، هتل و فروشگاه‌هایی به سبک اروپا که اغلب نمایندگی اجناس اروپایی را داشته‌اند، استفاده می‌شده است.^{۱۰}

اما با توجه به توصیفات وی و تطبیق این توصیفات با اسناد و مدارک شهری ایران، جنوب تهران به عکس شمال شهر به شکل یک روستای وسیع در درون یک شهر بود، زیرا خیابان‌های کم عرض، پرپیچ و خم و غیر بهداشتی داشت و اغلب مردم آن افراد کم درآمد بودند.^{۱۱}

در آن زمان میدان توپخانه به عنوان یک میدان مرکزی در تهران اهمیت ویژه‌ای داشت، چون بیشتر ادارات دولتی در اطراف این میدان قرار داشت و خیابان‌های مهم تهران مانند لاله زار، علاءالدوله و الماسیه از آن جا به اطراف تهران کشیده شده بودند و هر کدام از این خیابان‌ها محل تجارت‌خانه‌ها، ادارات و سفارت‌خانه‌های مهم بوده‌اند.^{۱۲}

نویسنده توصیف دقیقی از خیابان لاله زار و بازار تهران به عنوان مرکز عمده اقتصادی شهر ارائه می‌کند. او در تشریح موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خیابان لاله زار می‌نویسد: «لاله زار نام خیابانی باریک و طولانی است، که از گوشه شمالی میدان توپخانه آغاز و به شمال تهران ختم می‌شود. این خیابان که معروف‌ترین خیابان تهران و به قولی کشور ایران است، دارای مغازه‌های گوناگون و متنوع بسیاری است که بیشتر به دکه‌های کوچک شباهت دارد و نظیر بقالی‌های محلی هستند. مغازه‌داران با ذوق ایرانی اجناس مختلف را داخل ظرف‌های گوناگونی جا داده و در کنار خیابان و حاشیه دکانشان چیده‌اند.»^{۱۳}

بازار به عنوان مرکز عمده اقتصادی شهرهای ایران تا قبل از گسترش فضاهای شهری و ایجاد خیابان‌های وسیع و متعدد، نقش عمده‌ای در حیات اقتصادی شهر ایفا می‌کرده است. هر چند در دوره‌ای که نویسنده کتاب مذکور از تهران دیدن کرده در کنار بازار، بعد از فروپاشی دارالخلافه ناصری و گسترش شهر تهران، خیابان‌ها اهمیت پیدا می‌کنند و کم‌کم بازار در مقابل خیابان به عنوان مرکز اقتصادی شهر بزرگی مانند تهران اهمیت خود را از دست می‌دهد. با این حال بازار هم‌چنان به دلیل تداوم فضای سنتی شهری، نقش



«اف. ال. برد» به تأثیر
شهرسازی اروپا بر فضای
شهر تهران اشاره می‌کند.
به گفته او چون شمال
تهران محل زندگی اعیان و
تحصیل کرده‌ها بوده،
خانه‌هایی تازه‌ساز داشته،
در حالی که وضعیت جنوب
تهران برعکس شمال شهر
به شکل یک روستای
وسیع در درون یک شهر
عمده بوده است

کرده‌اند. به وسیله این کانال‌ها، آب را از درون قنات و از روی خاکی که در طول زمان به اندازه کافی سفت و غیر قابل نفوذ شده، عبور می‌دهند تا به زمین کشاورزی یا شهر مورد نظرشان برسانند.^{۱۴}
در زمینه ورود آب قنات‌ها به مجاری آب‌رسانی شهری، نویسنده به مسئله آلودگی آب‌های شهری و بیماری‌های واگیر ناشی از آن اشاره کرده است.

وی در این زمینه می‌نویسد: «آب انبارهای عمومی هم که در درون شهرها قرار دارند و مقدار زیادی آب را در خودشان جای می‌دهند، در مسیر همین آب‌رودهای آلوده قرار دارند و باید به وسیله همین قنات‌ها ذخیره‌سازی شوند، تا در طول ماه‌ها و گاه یک‌سال آب ذخیره شده به وسیله مشک سقاها به مغازه‌ها منتقل شود و یا به وسیله کوزه به خانه برسد.»^{۱۷}

مردم از همین آب که در درون جوی‌های روباز شهری جاری بوده، برای آشامیدن و کارهای روزانه مانند شستشو استفاده می‌کرده‌اند که این امر در پاره‌ای موارد موجب بیماری‌های واگیردار می‌شده است.^{۱۸}

در این دوره برای تأمین یخ در فصل تابستان، یخچال‌هایی در اطراف شهر وجود داشته که بنابر توصیف نویسنده «... از یک ساختمان دو طبقه خشت و گلی تشکیل شده که دیوارهای بسیار بلندی دارد. این دیوارها بر چاله‌های پر از آب داخل یخچال سایه می‌اندازند تا آب هر چه زودتر به یخ تبدیل شود. یخ تولید شده در این یخچال‌ها نه بلورین است و نه تمیز، ولی در گرمای سوزان ایران، برای لب تشنگان ایرانی لیوانی آب یا شربت خنک فراهم می‌کنند که به هر حال نوشیدنی است.»^{۱۹}

بخشی دیگر از این قسمت، با عنوان انقلاب مشروطیت و تمدن ایران، به بررسی تأثیر مشروطیت بر زندگی اجتماعی و سیاسی ایران اختصاص دارد و در آن تضاد میان قوانین مجلس و ساختار اداری و سیاسی شهرها بیان شده است؛ زیرا پس از پیروزی انقلاب

مهمی در اقتصاد شهری ایفا می‌کرده است. در بازار تهران صاحبان حرف و صنایع مختلف صاحب مغازه‌هایی بوده‌اند. و در گوشه و کنار بازار کاروان‌سراهایی قرار داشته که محل بارگیری و تخلیه کاروان‌های تجاری بوده است. هر قسمتی از بازار تهران بنا بر توصیف نویسنده و مدارک موجود، مخصوص یک رشته کسب بوده و محوطه بازار دارای فضای تنگی برای عبور و مرور بوده است؛ زیرا هم‌زمان با عبور عابران پیاده گاری، اسب یا الاغ برای حمل اجناس در درون بازار حرکت می‌کرده‌اند و این خود مشکلاتی از جمله تصادم انسان با حیوانات را در پی داشته است.^{۱۴}

وی در جای دیگر، به توصیف اماکن شهری که نقش عمده‌ای در اطلاع‌رسانی مردم ایفا می‌کرده‌اند پرداخته است. اماکنی چون کاروانسرا، دکان نانوائی، قهوه‌خانه، بازار و... نقش قابل توجهی در ارتباطات فرهنگی بین مردم داشته است.

هم‌چنین نویسنده از نقش بازار به عنوان محلی عمده برای خبرگیری و خبررسانی و نیز محیط قهوه‌خانه به عنوان جایی مناسب برای معاشرت طبقات مختلف جامعه یاد کرده است.^{۱۵}

کم باران بودن این سرزمین موجب شده که مردم ایران از دوران باستان به فکر راه‌هایی برای تأمین آب مورد نیاز خود باشند که یکی از این راه‌ها حفر قنات بوده است. نویسنده این قسمت در هنگام بازدید از ایران با دید تحسین از این کار ایرانیان یاد می‌کند. وی در زمینه نحوه کارمندی‌ها نوشته است: «مقنی‌های ایرانی که مهندسان مطلع و ورزیده‌ای در کار حفر قنات و آب‌رسانی هستند، ابتدا منبع آب را پیدا می‌کنند. پس از آن در طول مسیر عبور آب از دامنه کوه‌ها تا زمین کشاورزی مورد نظر یا شهری که باید سیراب شود، چاه‌هایی که گاه عمق آن‌ها بیش از صد فوت (حدود ۳۰ متر) است حفر می‌کنند.

فاصله این چاه‌ها که اطرافشان با خاکی که از آن‌ها بیرون آمده انباشته شده و همه جا به تپه‌های کوچک شباهت پیدا کرده، تا حدود صد فوت (تقریباً ۳۳ متر) است و آن‌ها را با شیبی ملایم به هم وصل

«اف. ال. برد» از نقش بازار به عنوان محلی عمده برای خبرگیری و خبررسانی و نیز محیط قهوه خانه به عنوان جایی مناسب برای معاشرت طبقات مختلف جامعه یاد کرده است

«اف. ال. برد» دو عامل اختلاف هیأت حاکمه و کارشکنی کشورهای خارجی مانند روسیه و انگلیس را در انحراف مشروطیت از آرمان‌های اولیه خود دخیل می‌داند

مشروطیت به دلیل حضور سنت‌گرایان و استبدادطلبان در ساختار سیاسی کشور، شیوه‌های سنتی اداره روستاها و شهرها تا حد زیادی به همان شیوه‌های قبلی باقی ماند. اف. ال. برد در این زمینه می‌نویسد: «با وجود انقلاب مشروطیت و تبدیل حکومت دیکتاتوری به رژیم پارلمانی، هنوز اکثریت دهات ایران به شیوه قدیم با نظام فئودالی اداره می‌شود...»^{۲۰} البته وی در جایی دیگر به دلیل عدم اطلاع کافی از زندگی ایلی و چادرنشین و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران، قضاوت نادرستی در مورد این نحوه زندگی ارائه داده است: «از نحوه زندگی روستاییان که بگذریم، عده‌ای از مردم هنوز بدون توجه به ترتیبات زندگی نوین آواره دشت و بیابانند و در طول سال از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌روند و با کوچ خود، به بیلاق و قشلاق ابراز علاقه می‌کنند.

عشایر کوچ‌نشین با آن‌که بیش از سایر مردم نخواستند و ندانسته تا حدی از مواهب آزادی برخوردارند، اطلاع و ارتباطی با مسائل سیاسی و اجتماعی منطقه و مملکتشان ندارند و در بی‌خبری مطلق به سر می‌برند.»^{۲۱}

وی در همین قسمت دلایل انحراف مشروطیت از آرمان‌های اولیه خود را با توجه به اوضاع و احوال سیاسی ایران به خوبی بیان کرده است از آن جمله دو عامل اختلافات هیأت حاکمه و کارشکنی کشورهای خارجی مانند روسیه و انگلیس را در انحراف مشروطیت دخیل می‌داند.^{۲۲}

هم‌چنین در این قسمت به اهمیت منبع جدید اقتصادی ایران یعنی نفت اشاره می‌کند و آن را به عنوان یکی از دلایل توجه سرمایه‌داران جهانی به ایران می‌داند، «خلاصه این‌که همه سرمایه‌داران دنیای غرب این آمادگی کامل را پیدا کرده‌اند که برای تأسیس شبکه راه‌آهن سراسری در ایران و هم‌چنین انجام سایر امور عمرانی و کارهای زیربنایی و خرید و فروش محصولات مختلف ایران سرمایه‌گذاری کنند...»^{۲۳}

در بخش پایانی قسمت اول، اف. ال. برد، در مطلبی با عنوان «کوه پر آوازه ایران»، به توصیف قله دماوند می‌پردازد و جایگاه آن را در عقاید و افسانه‌های ایرانیان بیان می‌کند. مطابق نوشته او چون در آن زمان مردم معتقد بودند که در کوه دماوند دیو وجود دارد، افراد کمی به این قله می‌رفته‌اند. و یا این‌که مردم این منطقه معتقد بوده‌اند که مادر زرتشت در نقطه‌ای از این کوه - شهری یا شهر مهم مادها - متولد شده است.^{۲۴}

البته نویسنده این کتاب به همراه دوستانش به این قله صعود می‌کند و مشکلات صعود را ناشی از سرما، کمبود هوا، خستگی راه می‌داند.^{۲۵}

این قسمت از کتاب حاوی عکس‌ها و تصاویر جالبی از مراسم مذهبی چون ماه محرم، خیابان‌های تهران، حجاب زنان و پوشش در ایران و غیره است که وضعیت زندگی اجتماعی ایران در آن روزگار

را نشان می‌دهد.

قسمت دوم کتاب با عنوان عکس‌های رنگی، حاصل کار هارولد اف. وستون، دوست و همراه اف. ال. برد است.

با توجه به این‌که عکس می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات داشته باشد، از این نظر حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا تطبیق عکس‌های تاریخی با مطالب نوشتاری می‌تواند واقعیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر دوره را بهتر بیان کند. این قسمت حاوی عکس‌های زیبایی از دروازه تخت جمشید، بازار شیراز و کاروان‌سرای آن، فروشنده‌گان نان و پلو در بازار شیراز، نحوه زندگی روستاییان، دروازه قزوین، قرائت قرآن، شهر ایزدخواست، مسجد قزوین، پل‌های کردستان، نقش رستم، خرمن‌کوبی در جنوب ایران، تنگه الله اکبر شیراز و مدرسه شاه سلطان حسین صفوی در قرن یازدهم هجری است. قسمت سوم کتاب با عنوان، همراه با قافله ایرانی، نوشته نویسنده قبلی یعنی هارولد اف. وستون است. این نویسنده، همانند اف. ال. برد از سوی «انجمن مردان مسیحی» (YMCA) مأمور خدمت در منطقه بین‌النهرین بوده، اما مدت زمان کمتری در ایران به سر برده است.

با توجه به مدت کوتاه اقامت وستون در ایران، نحوه نگارش وی و قضاوتش در مورد ایران با نوشته‌های اف. ال. برد متفاوت است و قضاوت‌های نادرست بیشتری در نوشته‌های او به چشم می‌خورد. نوشته‌های او بیشتر به توصیف مناظر سر راه، آثار باستانی و خلق و خوی ایرانیان اختصاص دارد.

نوشته وی به دلیل توصیف موقعیت جغرافیایی و اقلیمی شهرهای ایران دارای اهمیت است. با توجه به دیدگاه یک‌سویه و برداشت غلط وستون از مشرق زمین، برداشت «حکیم عمر خیام» را که خود وی چنین آورده است: «ایران همانند بوستان و شبیه فرشی گسترده و پوشیده از گل است»، این گونه رد می‌کند: «البته این قبیل تغییرهای شاعرانه و غیر واقعی برای من چیز تازه‌ای نیست و تنها آگهی‌های تجارتي و یا چشم انداز ویتترین مغازه‌های معروف خیابان پنجم نیویورک را یاد آور می‌شود.»^{۲۶}

وی با توجه به دیداری که از همدان داشته، کاخ هگمتانه را نمودار قدرت ایران در گذشته می‌داند و آن را با وضعیت ایران زمان خود مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که قدرت‌های جهانی زمان وی (روسیه و انگلیس) به سرنوشتی این چنین دچار می‌شوند: «آری این حقیقت دارد و همه اخبار مهم دنیا که در خرابه‌های این دربار باشکوه پنهان شده، یادگار قرون و اعصار است و دیری نخواهد پاید که قصرهای آباد و مرکز فرمانروایان کنونی جهان، نیز چنین سرنوشتی پیدا خواهند کرد.»^{۲۷}

وستون علاقه ایرانیان را به نقاشی و عکس بیان می‌کند و می‌نویسد که نقاشی کشیدن وی توجه اطرافیان را به خود جلب می‌کرده است.^{۲۸}

در دوره قاجار برای تأمین
 یخ مردم تهران در فصل
 تابستان، یخچال‌هایی در
 اطراف شهر وجود داشته
 که «برد» در کتاب خود به
 آن اشاره کرده است

نویسندگان آن از وضعیت زندگی اجتماعی و جغرافیای طبیعی ایران،
 به عنوان منبعی دست اول برای تحقیقاتی در این زمینه، حائز
 اهمیت است.

پی نوشت‌ها:

1. F.L.Bird
2. Harold.F.Weston
3. Young Men Cristian
4. THENATIONAL GEOGRAPHIC MAGAZINE

اف. ال. برد: «با وجود
 انقلاب مشروطیت و
 تبدیل حکومت
 دیکتاتوری به رژیم
 پارلمانی، هنوز اکثریت
 دهات ایران به شیوه قدیم
 با نظام فئودالی اداره
 می‌شود...»

۵. برد، اف. ال و وستون، هارولد. اف: گشت و گذاری در ایران
 بعد از انقلاب، ترجمه علی اصغر مظهری کرمانی، نشر جانان،
 تهران، ۱۳۷۱، ص ۱.

۶. همان، ص ۳۱.
۷. همان، ص ۴۳.
۸. همان، صص ۱۱۹-۱۱۰.
۹. همان، ص ۶۲.
۱۰. همانجا.
۱۱. همان، ص ۶۳.
۱۲. همان، ص ۶۴.
۱۳. همان، ص ۷۲.
۱۴. همان، صص ۷۹-۷۸.
۱۵. همان، صص ۹۳-۸۹.
۱۶. همان، ص ۹۶.
۱۷. همان، ص ۹۶.
۱۸. همان، ص ۹۸.
۱۹. همان، ص ۹۴.
۲۰. همان، ص ۱۰۸.
۲۱. همانجا.
۲۲. همان، صص ۱۱-۱۱۰.
۲۳. همان، ص ۱۱۲.
۲۴. همان، ص ۱۱۶.
۲۵. همان، ص ۱۲۰.
۲۶. همان، ص ۱۶۵.
۲۷. همانجا.
۲۸. همان، ص ۱۶۸.
۲۹. همان، ص ۱۷۴.
۳۰. همان، ص ۱۷۹.
۳۱. همان، ص ۱۹۳.
۳۲. همان، ص ۱۹۶.
۳۳. همان، ص ۲۱۴.
۳۴. همان، ص ۲۳۸.

وی در بخشی دیگر از این قسمت با عنوان در حاشیه خزر و مرز
 روسیه، وضعیت منطقه دریای خزر و شمال ایران را با توجه به
 مشاهدات خود، توصیف کرده است:

«سفر به حاشیه دریای خزر و عبور از راه پرپیچ و خمی که البرز را
 دور می‌زند خالی از خطر نیست، زیرا یک بار چند انگلیسی درون
 جنگل‌های شمال گرفتار شیبخون شدند. خود ما هم هر چند به
 سلامت رسیدیم، یکی از رانندگان کاروان تیر خورد و جان داد ولی
 کمک همراهش زخمی شد و جان به در برد. به همین دلیل هنگام
 بازگشت از دریا و دشت خزر به ناچار همراه با نیروهای نظامی مسلح
 هندی حرکت کردیم.»^{۲۹}

با توجه به این که وستون اوایل پیروزی مشروطیت از ایران
 دیدن کرده، تحت تأثیر این جریان قرار گرفته و آن را نویدبخش
 آینده‌ای امیدوارکننده برای ایرانیان می‌داند: «... خوشبختانه خون
 تازه‌ای در رگ‌های سفت و سخت شده ایران زمین به جریان افتاده
 است. در من این امید و آرزو به یقین مبدل شده که ایران باستانی و
 عقب مانده می‌رود تا به همت نسل جوان و پرتلاشش، کاری بکند و
 طرحی نو در اندازد.»^{۳۰}

او از برخی ویژگی‌های طبیعی شگفت‌انگیز ایران نیز یاد
 می‌کند: «میان دشتی بی‌آب و علف که کرانه آن ناپیداست، مسافر
 غربی که انتظار بر خورد با حیوانی را هم ندارد چه رسد به انسان،
 ناگهان آبادی کوچکی را با مزارع سرسبز و مناظر زیبا مشاهده
 می‌کند و مات می‌شود.»^{۳۱}

وی با توجه به بازدیدی که از شهرکاشان داشته، گرم و خشک
 بودن این شهر و وجود عقرب فراوان را ویژگی این شهر می‌داند.^{۳۲}
 وی با توجه به بازدیدهایی که از شهرهای مختلف ایران مانند
 شیراز، اصفهان و... داشته، به راستی بازار را نبض اقتصادی
 شهرهای ایران تشخیص داده و در این زمینه نوشته است: «به طور
 کلی راز تپش یک شهر ایرانی، بازار اصلی آن است. آن هم بازاری
 شلوغ که غوغایش با فریاد و هیاهوی عابران در هم آمیخته و هوایش
 توام با گرد و خاک فراوان است.

در گوشه و کنار بازار اصلی که گاهی طولانی و مستقیم است،
 بازارچه‌ها و محل‌هایی به مغازه‌های مشابه هم اختصاص دارد و
 مخصوص یک صنف است و به همین نام شهرت دارند.»^{۳۳}

وی در جایی دیگر از نوشته‌هایش با توجه به بازدیدی که از تخت
 جمشید داشته، عظمت و شکوه تمدن ایرانی را این گونه یادآور
 می‌شود: «... بناهای باقیمانده و آثار خرابه‌های تخت جمشید
 مقیاسی جالب از عظمت و بزرگی ابر قدرت ایران در دوران‌های
 گذشته... است. خود من به هنگام تماشای آن بناهای شکوهمند به
 خوبی می‌توانستم روزهای سربلندی ایران را در خیال خود مجسم
 کنم و عظمت آن را به یاد بیاورم.»^{۳۴}

در مجموع این کتاب به جهت توصیف واضح و جالب